

بچه نازنینی که از آنجا که او را در بر می گیرد
 رفتن و برگشتن - بر روی جلد و جلد
 978-600-185-215-2
 1771547
 81779
 95 72-81909 1771547
 Battered by sons of the west
 American fiction - 21st century
 1771547
 81779
 95 72-81909 1771547

نیرنگ فرزندان غرب



در طول مدت بیست و هشت سال در آمریکا اقامت داشته‌ام. شاهد
 بسیاری از رفتارها و حرکات نامأنوس فرزندان نسل جوان بودم که گاهی
 می‌ماندند ز ۱۹۴۴ میلادی در زمانی که من در ایران بودم و آنجا خود گذشته و
 آنجا ۱۰۰ ساله بودم. در آن زمان من به عنوان یک مهاجر و ناپدید شدم.
 E-mail: info@ketabsaray.com
 E-mail: info@ketabsaray.com
 E-mail: info@ketabsaray.com

نویسنده: دکتر رفیع حمیدپور
مترجم: دکتر سهیلا دوستی



کتابسرای تندیس
 ISBN 978-600-185-215-2

برای فرزندان
 کتابسرای تندیس
 کتابسرای تندیس
 کتابسرای تندیس

پیشگفتار

در طول تاریخ، قدرت و موفقیت نوع بشر به تجمع انسان‌ها و اجتماعی که در آن زندگی می‌کرده‌اند، بستگی داشته است و این طریقه‌ی تفکر و زیستن، اجتماعی را به وجود آورده که در آن موفقیت، حاصل یک کوشش دسته‌جمعی محسوب می‌شده که به تک‌تک اعضای این مجموعه ارتباط پیدا می‌کرده است. البته این نگرش و موفقیت‌های گروهی از وقتی که انسان‌ها به سمت اندوختن ثروت بیشتر، تجملات و مادی‌گرایی پیش رفته‌اند، ارزش خود را به تدریج از دست داده است.

با شروع عصر صنعت، به نظر می‌رسد که خیلی مسائل معنوی و اخلاقی مفهوم خود را از دست داده‌اند و افراد در تلاش برای به دست آوردن موفقیت‌های متفاوتی در زندگی هستند. پول، مالکیت و مادیات جایگزین ارزش‌های معنوی و در ظاهر کهنه‌ی قبلی شده‌اند. ارزش‌های کنونی را می‌توان بدین گونه بررسی کرد:

اگر چه در این دوران بناها و عمارت‌هایمان بلندتر و بیشتر شده، اما صبر و تحملمان کمتر است.

هرچند بزرگراه‌های وسیع‌تری داریم، اما بینش و دیدگاه‌مان تنگ‌تر شده است.

ما بیش‌تر خرج می‌کنیم و کم‌تر داریم، بیش‌تر می‌خریم ولی کم‌تر از آن لذت می‌بریم.

ما حالا در خانه‌های بزرگ‌تری زندگی می‌کنیم اما خانواده‌هایمان کوچک‌تر شده. رفاهمان بیش‌تر ولی وقتمان کم‌تر است.

ما درجات بالاتری کسب کرده‌ایم، اما شعور و درکمان پایین‌تر آمده‌است. دانش ما بیش‌تر و حس تشخیص ما کم‌تر، تخصص ما در کارها بیش‌تر ولی مشکلات ما بیش‌تر شده‌اند.

داروهای بیش‌تری داریم ولی از سلامتی کم‌تری بهره‌مندیم.

ما بسیار می‌نوشیم، بسیار سیگار می‌کشیم، بی‌پروا خرج می‌کنیم، کم‌تر می‌خندیم، تندتر رانندگی می‌کنیم، زودتر عصبانی می‌شویم، بیش‌تر بیدار می‌مانیم، خسته‌تر از خواب بیدار می‌شویم، کم‌تر مطالعه می‌کنیم، بیش‌تر تلویزیون تماشا می‌کنیم و کم‌تر عبادت می‌کنیم.

هرچند دارایی‌های ما چند برابر شده، اما ارزش‌هایمان کمتر از قبل شده است.

ما زیاد حرف می‌زنیم و کم‌تر چیزی مفید برای گفتن داریم، کم‌تر عاشق هستیم و بیش‌تر نفرت داریم.

ما یاد گرفته‌ایم چگونه زندگی بسازیم ولی نمی‌دانیم چگونه زندگی کنیم. ما به سال‌های زندگی‌مان افزوده‌ایم ولی زندگی به سال‌هایمان نداده‌ایم. ما تمام راه را تا ماه پیموده‌ایم اما از خیابان خود برای دیدار همسایه‌ی جدید خود رد نشده‌ایم.

ما فضای اطراف زمین را فتح کرده‌ایم، اما از درون خود بی‌خبریم.

ما هر روز کارهای بزرگ‌تری، اما نه لزوماً به‌تری انجام می‌دهیم.

ما هوا را تمیز کرده‌ایم، ولی ضمیر و روحمان آلوده است.

ما اتم را شکافته‌ایم، اما تعصب‌های بی‌جای خود را خرد نکرده‌ایم.

ما بیش‌تر می‌نویسیم و کم‌تر یاد می‌گیریم. بیشتر برنامه‌ریزی می‌کنیم و کم‌تر به انجام می‌رسانیم.

ما آموخته‌ایم در کارها عجله کنیم، ولی یاد نگرفته‌ایم که چگونه در زندگی صبور باشیم.

ما رایانه‌هایی ساخته‌ایم که هر روز بیش‌تر در خود اطلاعات و ارتباطات را نگه می‌دارد ولی روابطمان با همدیگر هر روز کم‌تر و کم‌تر شده.

زمان ما غذاها سریع و هضم آهسته، مردان بزرگ و شخصیت‌های کوچک، منفعت‌های گزاف و مناسبت‌های سطحی است.

این روزها با وجود این‌که خانواده دو منبع درآمد دارد، اما میزان طلاق‌ها بالاتر رفته است.

خانه‌های ما هر چند مجلل‌تر ولی از هم فرو پاشیده‌تر شده است.

زمان مسافرت‌های سریع، تندمزاجی و کم‌حوصلگی بیش‌تر، بدن‌های فربه و سنگین‌تر و قرص‌های رنگارنگ قابل مصرف برای هر موردی، از داروی شاد ساختن گرفته تا آرام کردن، تا کشتن است.

زمانه‌ایست که چیزهای زیادی در سالن نمایشگاه و با ظاهر فریبنده برای تکان دادن داریم، ولی انبار کالاهايمان از جنس مطلوب خالی است.

زمانه‌ایست که به وسیله‌ی تکنولوژی، این نوشته می‌تواند به دست شما برسد و اگر بخواهید، می‌توانید انتخاب کنید که آن را با شخص دیگری هم در میان بگذارید یا این‌که حذف کنید.

دالایی لاما می‌گوید:

«به خاطر داشته باش؛ برای عزیزانی که دوستشان داری، به

اندازه‌ی کافی وقت بگذاری، برای این‌که آن‌ها تا ابد در کنار تو

نخواهند ماند.»

«به یاد داشته باش؛ کلامی با محبت به کودکی که از روی

هیبت و ترس به تو نگاه می‌کند، بگویی، زیرا این شخص